

انسان را دوباره تعریف کنیم

چگونه می‌توانیم در ایران امروز به تساهل و مدارا دست یابیم؟

تساهل و مدارا - چه در ساحت نظر و چه در قلمرو عمل - در تاریخ جهان پیشینه‌ای دراز دامن دارد. در فرهنگ ایران باستان و ایران پس از اسلام، نمونه‌های برجسته‌ای از تساهل و مدارا، در سخنان و سلوک عالمان دینی، حکیمان، فیلسوفان و عارفان، به چشم می‌خورد. در میان غریبان، بنیادی‌ترین و جدی‌ترین آرا و دیدگاه‌ها در باب مدارا در اندیشه‌های فلسفی - سیاسی جان لاک فیلسوف قرن هفدهم میلادی به چشم می‌خورد که در چند رساله و مکتوب، به‌ویژه در «نامه‌ای در باب تساهل و مدارا» تبلور یافته است.

در فرهنگ ملی و دینی ما ایرانیان مطالب بسیاری درباره تساهل و مدارا در روایات مذهبی، شعرها، داستان‌ها و مثل‌ها به چشم می‌خورد. افزون بر این‌ها، بزرگان دینی، عارفان و فیلسوفان ما در زندگی فردی و اجتماعی، افرادی متساهل بوده‌اند، اما متأسفانه در میان ایرانیان به‌ویژه در سده اخیر و خاصه در دهه‌های اخیر، وضع تساهل و مدارا از جنبه‌های فکری و نظری و به عنوان راه و روشی در سلوک فردی و جمعی، نابسامان و تأسف بار است.

ما نیازمند تساهل‌ایم. تساهل و مدارا زمینه‌ساز فرهنگ صلح، دوستی، تفاهم، همزیستی و همکاری است؛ چه تساهل مذهبی و چه تساهل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی. اما چرا تساهل و مدارا در میان ما ایرانیان در این روزگار چندان جایی ندارد و نسبت به فهم و عمل به آن تا این اندازه غافل و بی‌اعتنا هستیم؟ پرسش بنیادین بعدی این است که چگونه می‌توانیم ملتی بردبار و متساهل شویم و اندیشه‌ها و راه و رسم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یکدیگر را تحمل کنیم؟ به نظر من، نبود یا کمبود مدارا در میان ما ایرانیان که همواره زمینه‌ساز درگیری و برخورد و ستیزه‌جویی و ویرانگری و حرمان و جدایی بوده است، به دلیل فقدان پیش‌زمینه‌های انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و اخلاقی است. تا زمانی که این زمینه‌ها در میان ملت ما اعم از مردم و دولتیان ایجاد نشود، نمی‌توان شاهد رفتار متساهلانه و بردبارانه در میان آنان بود. به سخن دیگر، موعظه‌گری و توصیه‌های مؤکد در این مورد بسیار کم‌اثر است و راهی به دهی نمی‌برد. به ترتیب و به گونه‌ای فشرده به این زمینه‌ها می‌پردازم:

1- زمینه انسان‌شناختی

مدارا در میان انسان‌ها ادراک و اعمال می‌شود. انسان اهل تساهل و مدارا می‌پذیرد که موجودی خردمند، آزاد و برابر است و هم‌نوعان او نیز همانند او افرادی خردمند، آزاد و برابراند. افزون بر اینها، انسان موجودی است که خود غایت خویش است، یعنی دارای «غایت ذاتی و فی‌نفسه» است. انسان «اشرف مخلوقات» و دارای «کرامت» است. بنابراین نمی‌توان از او استفاده ابزاری کرد و به عنوان «وسیله» و «شیء» او را به کار گرفت. چنین موجودی دارای اندیشه و برخوردار از حقوق اساسی است. او آزاد است که بیندیشد، سخن بگوید، بنویسد و منتشر کند. هیچ فرد، جماعت و دولتی حق ندارد آزادی‌های اساسی او را سلب کند و یا به طور دل‌بخوایی آنها را محدود سازد.

-2زمینه معرفت‌شناختی

انسان موجودی پرسشگر، خطاپذیر و اهل تشکیک است. انسان می‌اندیشد، می‌سازد، باز می‌اندیشد، ویران می‌کند و از نو می‌سازد و این فرآیند را سر‌بازایستادن نیست. اصولاً انسان‌ها اگرچه از خرد و آزادی برخوردارند، اما موجودات متوسطی هستند که سرنوشت آنان با آزمون و خطا، بازنگری و اصلاح، شالوده‌شکنی و بازسازی رقم خورده است. تکامل نوع انسان در گذرگاه تاریخ و پذیرش تنوع و تکثر در اندیشه‌ها، عقاید و رفتارها، بر چنین زمینه‌ای قابل درک خواهد بود .

-3زمینه اخلاقی

انسان موجودی اخلاقی است. او با آفرینش گزاره‌های تجویزی بر مدار عقل عملی خویش، احکام اخلاقی را با قیده‌های «باید /نباید» تعیین و بر نوع انسان اعمال می‌کند. اینکه ما وظیفه داریم به یکدیگر احترام بگذاریم- چه در اندیشه‌ها و عقاید و چه در گزینش الگوی زندگی و سلوک فردی و جمعی -یک حکم اخلاقی است. التزام ما به احکام اخلاقی، یکی به این دلیل است که این احکام دارای «حسن عقلی» اند؛ دیگر اینکه، تفاهم، صلح و همکاری با رعایت قواعد اخلاق در جامعه حاصل می‌شود .

به نظر می‌رسد برپایه زمینه‌های سه‌گانه انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و اخلاقی بتوان شالوده‌های اصلی رعایت تساهل و مدارا در میان انسان‌ها و از جمله ایرانیان را بنا نهاد. از یک سو بایستی بپذیریم که انسان خود غایت خویش است و هرگز نمی‌توان او را به عنوان ابزار و وسیله نیل به هدف‌های گوناگون- حتی هدف‌های مقدس- به کار گرفت و بایستی بپذیریم که انسان فی‌نفسه شایسته حرمت و احترام است. از سوی دیگر، انسان را موجودی پرسشگر، خطاپذیر و اهل تشکیک بدانیم که دانش او محدود، داوری‌های او تغییرپذیر و تصمیم‌های او تابع شرایط متغیر است .

ما هرگاه بپذیریم که یک فرد اگرچه اندیشه‌ها و باورهایی متفاوت با اندیشه‌ها و باورهای ما دارد، اما «انسان» است و دارای حرمت و کرامت ذاتی، چگونه می‌توانیم او را به خاطر اندیشه‌ها و باورهایش، آزار دهیم، از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم کنیم، به زندانش بیافکنیم و او را مورد شکنجه‌های جسمی و روانی قرار دهیم؟

ما هرگاه بپذیریم که انسان‌ها موجوداتی خطاپذیراند- خطاپذیر در اندیشه، عقاید، تصمیم‌گیری و عمل- و این حکم در مورد ما انسان‌های متوسط، ساری و جاری است، چگونه به خود اجازه می‌دهیم که خودخواهانه، اندیشه، عقیده و کردار خویش را عین حقیقت بدانیم و از همگان توقع داشته باشیم که اندیشه، عقیده و کردار خودشان را با پیروی مقلدانه از ما تنظیم کنند؟ سپهر اندیشه و عقیده، دارای تنوع و تکثر است و «هر کسی از ظن خود» یار و همراه حقیقت می‌شود. بنابراین، هیچ موجود بشری- به جز پیامبران و اولیای الهی- نمی‌تواند ادعا کند که اندیشه، عقیده و کردارش عین حقیقت است؛ فقط می‌تواند بگوید که می‌کوشم به مرزهای حقیقت نزدیک شوم .

ما با پذیرش احکام اخلاقی و پایبندی به وظایف اخلاقی، می‌توانیم مخالفان فکری و عقیدتی خویش را تحمل کنیم. اخلاق به ما می‌آموزد که تفاوت‌های فردی در اندیشه، عقیده و عمل، انسان‌ها را از انسان بودن منفک نمی‌کند . پس باید به مخالفان فکری و اعتقادی و رفتاری خود احترام بگذاریم. رعایت تساهل و مدارا در برابر انسان‌هایی با افکار و عقاید

متفاوت، به هیچ وجه به معنی قبول دیدگاه‌ها و باورهای آنان نیست. من می‌توانم دارنده اندیشه‌ها و عقاید خودم باشم، اما اندیشه‌ها و عقاید شما را - هرچند آنها را قبول نداشته باشم - مدارا کنم. من با این روش، از شما نیز می‌خواهم که اندیشه‌ها و عقاید مرا تحمل کنید. اگرچه آنها را قبول نداشته باشید .

به نظر من مشکل ما ایرانیان در بی‌اعتنایی یا کم‌توجهی به تساهل و مدارا در نداشتن پیشینه‌های فکری و عملی نیست؛ بلکه در نبود یا کمبود زمینه‌های انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و اخلاقی است. ما نیازمند ارائه تلقی و تعریف درستی از انسان و حقوق و آزادی‌های او، محدودیت‌های فکری و خطاپذیری او و تکالیف اخلاقی او در ایران هستیم. این نظر، هم شامل مردم کوچک و بازار می‌شود، هم دولتیان و هم روشنفکران، دانشگاهیان و استادان و شاگردان حوزه‌های دینی. بر این اساس می‌توان به باروری و خرمی درخت تساهل و مدارا در ایران زمین امیدوار بود. با فاصله‌هایی که میان تلقی‌های عام نسبت به انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و تکالیف اخلاقی با آنچه ذکر آن رفت، وجود دارد، ما راه درازی در گسترش فرهنگ تساهل و مدارا در ایران امروز در پیش داریم .